

چه تکذیب غرور انگیزی !!

سیاوش آذری



بیشترین حساسیت روزنامه نگاران حرفه ای ، تکذیب مطلبی است که انتشار داده اند . چه بصورت نوشتاری در مطبوعات ، چه گفتاری در رادیو یا تلویزیون . قانون مطبوعات مقرر کرده است ، در صورت انتشار مطلب نادرست ، تکذیب موضوع با همان حروف و همان قطع و اندازه در شماره بعد چاپ یا در رادیو و یا تلویزیون توضیح داده شود .

باتوجه به قانون مطبوعات که در همه کشورهای پیشرفته ساریو جاری است (والیته در جمهوری اسلامی جایش را به ترجیع بند ، کی بود کی بود من نبودم داده !) بنده میخوامم برای نخستین بار بعنوان یک روزنامه نگار ایرانی برخلاف سنت معمول بانهایت افتخار بگویم مطلبی که عید گذشته در نشریه صبح ایران چاپ لوس آنجلس تحت عنوان " عرض نکردم !!! " نوشته تکذیب شده است . آنهم چه تکذیب غرور انگیزی !!

در آن مقاله که محتوایش از در دورنج ۳۰ ساله خود وهم میهنان آزاده ام در ارتباط با اوضاع پریشان میهنم نشأت گرفته بود ناامیدانه گله کرده بودم که دیگر چه بنویسم ، از کجا و چه چیز بنویسم . از کدام وحدت و اتفاقی بنویسم و با ذکر نمونه های مختلف نتیجه گرفته بودم که مگر چه چیز عوض شده که به آن امید ببندم ؟

اما حالا ، خدمت شما هم میهنان عزیز در نهایت افتخار اعتراف میکنم که در سراسر عمر روزنامه نگاری ام هرگز تکذیبی به این زیبایی و غرور آفرینی ندیدم که هموطنان داخل و خارجم با قیام یکپارچه شان عملاً نشان دادند که نخیر ، آنطور که فکر کردی نیست . ما فرصت گیر نمیآوردیم و گرنه پشت حکومت را بلرزه در میآوردیم .

همچنانکه دیدید دستجمعی به خیابانها نریختیم که ریختیم . بادست خالی ، بدون هرگونه سلاح و رهبر و پشتیبان داخلی و خارجی در برابر مزدوران بی رحم مسلح نایستادیم که ایستادیم . ثابت نکردیم حکومت روضه خوان ها برای کشتار ما و ازین بردن آنهمه دستاوردهای نسلهای گذشته مان باتوطنه و دسائس داخلی و خارجی روی کار آورده شده که ثابت کردیم . در زندان و شکنجه گاهها از دختر و پسر مورد تجاوز واقع نشدیم که شدیم ، کشته ندادیم که دادیم . رهبران قدرتمند غرب و شرق را که این بار سعی دارند ترغیب دیگری را خواست ما جا بزنند مات و انگشت بدان نکردیم که کل رژیم را نمیخواهیم ؟ ... وقتی تکذیب همه جانبه داخل و خارج راعملاً و علناً مشاهده کردم غرق لذت شدم . افتخار کردم ایرانیم . عجب تکذیب افتخار آمیزی !!

با خود گفتم چه نسل با ارزشی پا بر عرصه حیات گذاشته

، چه دلاورانی ؟ چه جوانان رشیدی ؟ چه دختران زنان فهیم و قهرمانی ؟؟ به به ! هزاران آفرین به اینهمه فرزندان با شرف کوروش ؟ کجاست فردوسی پیر طوس که ببیند شاهنامه اش چگونه بوسیله ایثارگرانی چون نداها ، سهرابها و دیگر جوانان و قهرمانان میهنش رستم وار و رودابه وار ، در جنگ با اهریمن در آورده گاه میهن ، به اجرا درآمده و جان ها در راهش فدا کردند ؟ چه صحنه

نمی آمدند مثلاً هنگامیکه پرستاران در اعتراض به کمی دستمزد دست از کار میکشیدند میگفتم پس پزشکان کجاستند؟ بیماران شفا یافته چرانیستند؟ همسایه ها ، همکاران و دیگران چرا نمی پیوندند؟ اما حالا می بینم همه آمدند و می آیند لشکر لشکر ، شب ، نیمه شب . صبح ، ظهر ، عصر ، غروب و نتیجه غرور آمیز و تعیین کننده یکپارچه شان را دیدند . می بینند که چگونه آن بت عظیم ترس را ترک انداختند و در آستانه فروپاشی قرار دارند .

چندتن از میهن پرستان پرمهرم از جمله امیران و صاحب منصبان نظامی از اطراف و اکناف آمریکا در تماس تلفنی می گفتند میبینی فریادهایت نتیجه داد؟ کاش بودی و نتیجه کار را دنبال میکردی . در جوابشان سرفرازان گفتند " استارت " زده شد شما بگوئید کجانیستند ؟ با هر مشرب و مرام . گرچه برخی با مأموریتهای خاص تلاش کردند به بهانه جلوگیری از ورود پرچم سه رنگ ملی اعتراض علیه احمدی نژاد در برابر ساختمان سازمان ملل را بخود منتسب و محدود کنند ، عکس العمل های شدید ایران خواهان پاسخشان را داد .

در همان گیر و دار پرچم نیار حضرات ! در مراسم سالروز مشروطیت درواشنگتن شیما دختر جوانی که از سوئد آمده و چند آهنگ اجرا کرد یکی از آهنگهایش حاضران را منقلب کرد . میخواند در ایران جوانان به جنگ گلوله میروند و در خون می غلطند . در خارج دعوا بر سر نیاروردن پرچم سه رنگ ملی است .

از سوی دیگر در این هنگامه تاریخی ، میهن پرستان کنجکاو شدند بدانند نان به نرخ روز خورها در برابر حرکت های میلیونی چه موضعی پیش گرفتند ؟

عناصری که در همه سالهای گذشته در وسایل ارتباط جمعی (شبکه های آنچنانی جهانی !!) بوجود آمده شان بقیه در صفحه ۴۲

های با شکوهی . چه موسیقی هیجان آوری . مگر میشود ملتی بدون رهبر ، اینگونه یکپارچه و متحد بپاخیزد تا زنجیر اسارت را از دست و پایش بگسلد ؟ خداوند چه دیدم ، چه می بینم ؟ خواب است یا بیداری ؟ چپ ، قهرمان ، راست ، قهرمان . دلاور پشت دلاور . همه جا زن . مرد جوان و نوجوان ، میانسال و پیر دوشادوش هم و یکصد .

از کشته پشته درست شده اما هیچکس حاضر نیست قدم به عقب بگذارد و هزاران گزارشگر جوان و آزاده ، بدون دریافت درهم و دیناری ، تنها بخاطر عشق میهن با بخطر انداختن جان ، از صحنه های تیر خوردن ایثارگرانی چون نداها و سهراب ها و دیگر خواهران و برادران کشته و مجروح و کتک خورده خود فیلمها و تصاویر زنده و رنگین تهیه کردند و به سراسر جهان فرستادند . وای چه دختران فوق متهوری که با قامت افراخته ، بدون بیم از این و آن دلیل از دست دادن وحشیانه بکارتشان توسط بیدادگران در برابر دوربین های عکاسی و فیلمبرداری ایستادند . فریاد برآوردند در زندانها به آنها تجاوز شده است و به آنان گفته اند دریم رأیتان را پس می دهیم . شجاعت از این بالاتر؟ چگونه میشود ابعاد این امواج خروشان و سونامی سیاسی را توصیف کرد؟

در آن بزنگاه تاریخ متوجه شدم که چه فاصله بعید و دوری میان مردم داخل میهنم با آخوند و روضه خوان مست قدرت ولایشعر وجود دارد با مشاهده اینهمه شهامت و قهرمانی ها از خود می پرسم خداوند خواب می بینم ؟ این رشادتها از ایرانی است؟ از مردم ماست؟ بخود میبالم . زیرا فریادهائی که طی سالهای گذشته در رادیو و تلویزیون لوس آنجلس برآورد ، همه قلمهایی که من و همکاران وطن پرست مان زدیم همه و همه در این راستا بود که همه باهم بپا خیزند ، تا پیش از قیام سراسری داخل و خارج